

بررسی تأثیر عوامل طبیعی در شکل‌گیری و ماندگاری شهر تاریخی دهدشت

ابراهیم رایگانی^{۱*} (نویسنده مسئول)، مسعود اسلامی^۲

^۱ استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه نیشابور

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات لرستان، خرم‌آباد

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۰۱)

چکیده

دهدشت از جمله شهرهای تاریخی در جنوب غربی ایران، بیش‌ترین رونق خود را در عصر صفویه داشت. این شهر امروزه در حاشیه جنوب شرقی شهر جدید قرار دارد. با توجه به قرارگیری این شهر در اقلیم نسبتاً گرم و خشک، مؤلفه‌های محیطی و جغرافیایی متعددی در شکل‌گیری و ماندگاری آن مؤثر بودند. چگونگی برهم‌کنش این عوامل طی قرون متمادی مسأله پژوهش پیش‌رو است. هدف از انجام پژوهش حاضر مطالعه توصیفی و تحلیلی تأثیر عوامل محیطی بر شکل‌گیری و دوام شهر در بیش از چهارصد سال است. از این رو، پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که مهم‌ترین عوامل محیطی مؤثر بر شکل‌گیری و دوام شهر تاریخی دهدشت کدامند؟ و این عوامل چه برهم‌کنشی در طول تاریخ برای ماندگاری شهر داشته‌اند؟ برای پاسخ به این دو پرسش، مطالعات استنادی منابع تاریخی مکتوب و بررسی‌های پیمایشی نگارندگان دو روش گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر بود که از طریق تحلیل توصیفی تاریخی به تحلیل داده‌ها انجامید. شهر تاریخی دهدشت به رغم اندک مغایرت‌های معماری و ساختاری با دیگر شهرهای ایران، دارای ویژگی‌های مشترک با آنهاست که می‌توان با شناخت و بررسی این ویژگی‌ها، الگوهای کلی شهر سنتی ایرانی را ترسیم کرد. نتیجه آن که پاسخ‌گویی مناسب به ویژگی‌های طبیعی و اقلیمی (از جمله شکل‌گود کاسه‌ای، موقعیت آب و هوایی خشن، تغییرات ناگهانی جوی، کمبود آب) ساختار فیزیکی خاصی را برای شهر تاریخی دهدشت تعریف کرده است که این ساختار فیزیکی موجب گردید تا مدیریت شهری برای مشکلاتی چون تهیه آب شرب، شرایط دشوار جغرافیایی و آب و هوایی از جمله مقابله با بادهای گرم و سوزان و هم‌چنین عدم حاصل‌خیزی خاک، چاره‌جویی معمارانه و متناسب با محیط را در نظر گیرد. این چاره‌جویی‌ها معمولاً در جهت حفظ فیزیکی شهر به کمک عوامل طبیعی بود و همین امر سبب غفلت از مؤلفه‌های دفاعی شهر شد.

واژگان کلیدی: سیر تاریخی شکل‌گیری، شهر تاریخی دهدشت، عوامل فیزیکی، معماری اقلیم گرم و خشک.

* E-Mail: e.raiygani@neyshabur.ac.ir

مقدمه

شهر دهدشت در جنوب غربی استان کهگیلویه و بویراحمد و به عنوان مرکز شهرستان کهگیلویه فعلی و در بخش گرمسیری استان واقع شده است. بافت تاریخی این شهر در بخش شرق و جنوب شرقی شهر قرار دارد (تصویر شماره ۱).

براساس متون تاریخی این شهر به عنوان مرکز بلاد شاپور از توابع کوره ارجان حداقل از عصر سلجوقی تا پایان دوره صفوی به شمار می‌رفت (گاویسه، ۱۳۵۹: ۱۵۴-۱۵۳). در عصر صفوی تا قاجاریه این شهر به عنوان مرکزی برای داد و ستد منطقه‌ای و هم‌چنین شهری واسطه‌ای میان بنادر جنوب و پایتخت دولت‌های یاد شده یعنی اصفهان و تهران ایفای نقش می‌کرد (حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ۱۴۹۹-۱۴۸۵). اما در حال حاضر از جفای انسان و قفای روزگار چنان بی‌روتنی شده است که تنها در متون کهن و با دقت نظر در بازمانده‌های ابنیه این شهر کهن می‌توان از رونق روزگاران گذشته آن باخبر شد (تصویر شماره ۲).

براساس متون تاریخی معاصر، دهدشت در حمله طوایف چهار بنیچه ویران و تقریباً خالی از سکنه شد و اهالی این شهر بنا به موقعیت تجاری خود در اقصی نقاط بنادر جنوبی ایران با نام دهدشتی پراکنده شدند (پیشین).

پس از دوره‌های متوالی حیات بی‌ثبات در این بافت تاریخی و هم‌زمان با روند قدرت‌گیری سلسله پهلوی و قیام‌های متوالی عشایر منطقه (رایگانی و تقوی، ۱۳۹۳: ۸۵-۸۲)، دولت وقت در پی چاره‌جویی در مهار عشایر مذکور به احداث شهرهای نو چون یاسوج اقدام کرد، و این هم‌زمان با رونق و شکل‌گیری بافت جدید شهر دهدشت در کنار بافت تاریخی بازمانده از دوره‌های متفاوت تاریخی بود. به این ترتیب از سال ۱۳۳۰ ش، درخارج از فضای بافت تاریخی و با سرمایه‌گذاری و حمایت مطلقه بخش دولتی، احداث فضاهای مهم اداری، آموزشی، بهداشتی، درمانی و خدماتی در این منطقه آغاز شد و این تأسیسات جدید موجب

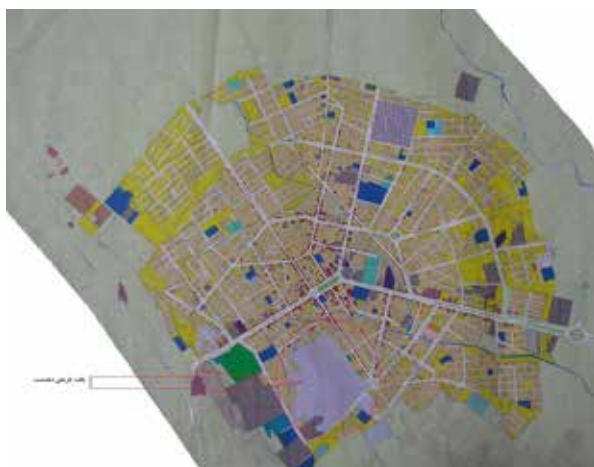
گردید که بافت تاریخی به یک بخش مسکونی فاقد فضا برای فعالیت‌های عمومی، اجتماعی و خدماتی تبدیل شود. توسعه نسبتاً کاذب و در عین حال بزرگ‌نمایی شده در بخش جدید شهری موجب انتقال افراد خوش‌نشین بافت تاریخی به این بخش از شهر برای دسترسی به خدمات عمومی شد. این امر در عین رهاسازی ابنیه مهم بافت تاریخی به عنوان بیغوله و مأمنی برای دام‌های جمعیت کوچ رو منطقه، به عنوان یک ظرفیت قوی در ساخت بناهای جدید شهری شد. زیرا بسیاری از مصالح بناهای بافت جدید حاصل تخریب و تفکیک مصالح ابنیه بافت تاریخی بوده است. این امر به مرور زمان موجب فراموشی اهمیت بافت تاریخی در نظر مردمان ساکن در بافت جدید شد و ارزش‌های هنری و معماری کهن نهفته در آن به هیچ‌انگاشته شد. در مقاله پیش‌رو به صورت موردی تمامی عوامل طبیعی یا جغرافیایی و محیط‌زیستی مؤثر بر روند شکل‌گیری و ماندگاری این بافت تاریخی بررسی و تحلیل شده است. با توجه به قرارگیری شهر در اقلیم نسبتاً گرم و خشک، مؤلفه‌های محیطی و جغرافیایی متعددی در شکل‌گیری و ماندگاری آن مؤثر بوده‌اند که شناخت بر هم‌کنشی این عوامل طی قرون متمادی، مسأله پژوهش پیش‌رو است. بنابراین نگارندگان در این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش هستند که مهم‌ترین عوامل محیطی مؤثر بر شکل‌گیری و دوام شهر تاریخی دهدشت کدامند؟ و این عوامل چه برهم‌کنشی در طول تاریخ در جهت ماندگاری شهر داشته‌اند؟

روش تحقیق

در این پژوهش از روش توصیف تاریخی تحلیلی همراه با تحلیل فیزیکی در فرایند تحقیق استفاده و در نهایت نتایج مطالعات باستان‌شناسی، معماری، هیدرولوژی و زمین‌شناسی به مدد گرفته شد. بدیهی است که روش نمونه‌برداری از طریق مشاهده، پیمایشی بوده است و از تصاویر هوایی نیز سود برده‌ایم.



تصویر شماره ۲: تصویر هوایی شهر دهدشت در ۱۳۳۵ ش؛ مأخذ: سازمان نقشه‌برداری کشور



تصویر شماره ۱: موقعیت بافت تاریخی در نقشه جدید شهر دهدشت؛ مأخذ: آرشیو سازمان مسکن و شهرسازی کهگیلویه

موقعیت و وضعیت جغرافیای طبیعی و سیاسی دهدشت

دهدشت یکی از شهرهای مهم دوره صفویه و قاجاریه در جنوب غربی ایران بود که در برخی متون تاریخی از آن به عنوان حاکم‌نشین کوه گیلویه یاد نمودند. آنچه از متون تاریخی و جغرافیایی قرون اولیه و بعضاً میانی دوران اسلامی روشن است این که، هیچ اشاره‌ای به وجود چنین شهری در بازه زمانی قرن اول تا نهم هجری قمری نشده است. ولی موجودیت منطقه‌ای که به بلادشاپور، حدفاصل میان فارس و خوزستان، مشهور بوده گواهی بر وجود ناحیه رم گیلویه دارد. به طور مثال اصطخری در این باره نوشته است:

«یکی از پادشاهان رموم که همیشه از یک تا سه هزار نفر بر در خانه‌های ایشان لشکر حاضر است مهرگان پسر روزبه پادشاه زمیگان است و آن رمی است که به رم گیلویه مشهور شده و مهرگان پیش از گیلویه بوده و شأن و شوکتی از گیلویه بالاتر داشته. پس از مهرگان برادرش سلمه به جای او نشست. گیلویه که از مردم خمایگاه از ولایت اصطخر است نزد او آمد و به خدمتگزاری پرداخت چون سلمه بمرد گیلویه آنجا را تصرف کرد و کارش به جایی رسید که این سرزمین را به نام او می خوانند و بزرگی او چنان شد که با خاندان ابودلف رقیب گردید و معقل بن عیسی برادر ابودلف را بکشت و چون ابودلف خبردار شد آهنگ او نمود و او را گرفته سرش را جدا کرد تا روزی که دوره ابودلف سپری گشت این سر نزد ایشان بود و در جنگها آنرا بالای نیزه نموده و جلوی لشکر می کشیدند و کاسه آنرا نقره گرفته بودند. چون احمد بن عبدالعزیز در زرقان ازدست عمرو لیث شکست خورد سر گیلویه بدست عمرو افتاد، ریاست این رم تاکنون در خاندان گیلویه است» (اصطخری، ۱۳۷۷: ۹۸).

مقدسی نیز در گزارشی مشابه اصطخری به منطقه بلادشاپور یا بلادساپور اشاره دارد که شاپور پسر فارس، آنرا بر دیگر شهرها که در خراسان و خوزستان آباد کرده بود ترجیح داد و همانجا درگذشت (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۸۱؛ ۶۳۵). در نوشته‌های دیگر مورخان سده‌های میانه نیز ناحیه بلادشاپور بین فارس و خوزستان دانسته شده که بسیار پرجمعیت بود و مشهور به ناحیه رم جیلویه و جزو پنج رم کردان پارس بود (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۳۰؛ مستوفی، ۱۳۶۴: ۱۰۰-۹۱).

طبق آنچه از منابع یادشده می توان استنباط کرد این که تا برآمدن حکومت صفاریان، فرمانروایی منطقه موسوم به بلادشاپور در دست گیلویه یا کیلویه بود. پس از آن، در دوره سلجوقی، لر بزرگ که ناحیه تحت حکومت خود را به دولت شکوفایی تبدیل کرده بود، کوهگیلویه را توسط ستقر سلغری (۵۴۳-۵۵۶ ه.ق) به اتابک ابوطاهر (۵۴۳-۶۰۰ ه.ق) به عنوان پاداش خدماتی که برای مبارزه در برابر حکومت محلی شبانکاره‌ای انجام داده بود، واگذار کرد. از آن زمان تا پایان دوران مغول، جومه مرکز اصلی بلادشاپور و پس از آن دهدشت، به عنوان مرکزیت سیاسی شناخته شد (گاویه، ۱۳۵۹: ۲۵۶).

نخستین اشارات تاریخی در باب موجودیت واقعی شهر دهدشت مربوط به عصر سلطنت شاه محمد (۹۹۵-۹۸۵ ه.ق) است که در آن دوره، دهدشت مقر فرماندهی کوه گیلویه به شمار می رفت (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۱۱۹). در این دوره، دهدشت حاکم‌نشین ایالت کوهگیلویه بود (پیشین، ۱۱۹). بر اساس منابع مکتوب، به نظر می رسد توسعه و تکامل تدریجی این شهر و حومه آن تا پایان دوره صفویه در دو مرحله رخ داد.

الف) دوران شکل گیری: تحت قیمومیت حکومت افشارها. (ب) دوران گسترش در عصر سلطنت شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۶۶ ه.ق): در این دوره، قدرت سیاسی افشارها رو به زوال گذاشت و سرزمین کوهستانی کوهگیلویه ارتباط مستحکمی با حاکمیت مرکزی برقرار کرد. در همین حین، جاده اصفهان، پل ها و کاروان سراهایی در مسیر منتهی به شهرهای اطراف ساخته شد (گاویه، ۱۳۵۹: ۱۵۳-۱۵۴). نظر به این که این قصبه بین سه شهر شیراز، اصفهان و شوشتر و هم چنین در نزدیکی دریای فارس قرار داشت، کاروان‌ها با کالاهای تجارتنی از هند و اروپا به دهدشت می آمدند و این کالاها از آنجا به نقاط دیگر کشور ارسال می شد (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۱۴۸۵-۱۴۹۹). بنابر این، دهدشت از شهرهای ترانزیتی عصر صفوی محسوب می شد که در آن سوداگری (واسطه گری)، ماهیت اصلی تجارت به شمار می رفت.

دوران فترت

از آنجایی که دهدشت در ابتدا توسط قبایل افشار اداره می شد و در دوره صفویه از اهمیت فراوانی در تجارت منطقه‌ای برخوردار بود، همواره در برابر آسیب‌های ناشی از طمع ورزی بسیاری از حاکمان و افراد سودجو و فرصت طلب قرار داشت. تا جایی که شهر دهدشت به واسطه شورش‌ها و جنگ‌های قومی و قبیله‌ای و نیز در برخی موارد، تمرد از حاکمیت مرکزی، زمینه‌های ناراضی مردم را به وجود آورد که در نهایت منجر به تخریب شهر و تخلیه ساکنان آن شد (دمورتی، ۱۳۷۵). گرچه، برخی از سیاحانی که در عصر صفویه به اصفهان مسافرت کرده بودند، از فروریختگی دیوارهای باروی شهر و هم چنین ورود و خروج گاه و بیگاه افراد به درون و بیرون شهر از رخنه‌های ایجاد شده در دیوار یاد کرده‌اند (کاری، ۱۳۸۳: ۷۸-۷۹).

گاه شماری شورش‌های شش باره شهر دهدشت حاکی از آن است که از این تعداد، سه شورش مربوط به عصر صفویه می شود (یکی در اوایل عصر صفوی و دو مورد در اواخر عصر صفویه). هم چنین از شورش‌های شش گانه، یک مورد در دوره زندیه و دو مورد دیگر در عصر قاجار اتفاق افتاده بود.

نخستین شورش مربوط به سال‌های ۹۹۲-۹۸۶ ه.ق بود که توسط شاه اسماعیل دروغین یا قلندر شاه رهبری شد. این شورش از قره آرند شروع و به شهر دهدشت رسید (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۱۱۷). در سال ۱۱۳۵ ه.ق. حمله سپاهیان افغان به شهر دهدشت

منجر به تخلیه مردم شهر و گریختن آن‌ها به کوهستان‌های اطراف شد. راه‌های ارتباطی قطع و قحطی، شهر و نواحی اطراف آن‌را در بر گرفت. ساکنان شهر دهدشت به مدت چندین ماه از خانه و کاشانه خود آواره بودند که تا زمان شکست نیروهای محمود افغان در بهبهان و پیامد آن با عقب‌نشینی، ادامه یافت (مجیدی، ۱۳۷۱: ۱۴۸). سومین شورش که در این شهر رخ داد و موجب ایجاد ناامنی بیش‌تر شد، ماجرای صفی میرزا است که در آن فتنه، خود را شاه تهماسب پسر سلطان حسین صفوی معرفی کرده بود. وی پس از چند سال زندگی در میان قوم بختیاری دامنه حاکمیت سیاسی خود را تا شهر دهدشت گسترش داد. صفی میرزا در نهایت شهر دهدشت را به عنوان مقر حکومت خویش برگزید. ۱ وی مقدمات پادشاهی خویش را در این شهر فراهم ساخت تا اینکه شاه تهماسب حقیقی پسر سلطان حسین صفوی از این موضوع مطلع شد و با ارسال نامه‌ای به سران ایلات کهگیلویه و بختیاری، انتساب صفی میرزا را به خاندان صفوی را تکذیب کرد. سرانجام مردم با اطلاع از این ماجرا و پس از چهار سال (در سال ۱۱۴۰ ه.ق) وی را به عمال حکومت صفوی تسلیم کردند (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۴۴۳؛ جزایری‌شوشتی، ۱۳۸۷: ۴۷۸). در ادامه شورش‌ها و در سال ۱۲۰۰ ه.ق حکومت مرکزی زندیه، در میان نابسامانی و مشکلات عدیده داخلی،



تصویر شماره ۳: سایت پلان شهر تاریخی دهدشت و بناهای موجود در آن؛ مأخذ: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی کهگیلویه و بویراحمد



تصویر شماره ۴: وضعیت امروز بافت تاریخی دهدشت؛ مأخذ: نگارندگان

طوایف کهگیلویه، دهدشت را مورد حمله و غارت قرار دادند (اقتداری، ۱۳۵۹: ۳۲۴). مؤلف فارسنامه ناصری درباره این رخداد تاریخی نوشته است:

«در زمان آشفتگی سلاطین زندیه، الوار چهار بنیچه کهگیلویه، این قصبه معمور (دهدشت) را غارت کرده و اهالی آنرا متفرق نمودند و برای آنکه در شهرها معامله و داد و ستد داشتند، هر کس به مناسبتی در شهری قرار گرفت و در کمتر شهری است که جماعتی از شهر دهدشت متوطن نباشد» (حسینی فسایبی، ۱۳۷۸: ۱۵۶۰).

بنابراین، با این توصیف، با هجوم همه جانبه عشایر چهار بنیچه، دهدشت خالی از سکنه شد و اموال ساکنان شهر به غارت رفت و اهالی هر کدام رهسپار شهر و دیار دیگری شدند. در عصر قاجار، به خصوص دوره حکمرانی فتحعلی شاه و محمد شاه تلاش‌هایی برای آبادانی دهدشت صورت گرفت، ولی اثربخش نبود. در سال ۱۲۸۵ ه.ق حکومت به نواب اشرف والا و احتشام الدوله سلطان مراد میرزا رسید (سیاهپور، ۱۳۸۶: ۱۱۳-۱۳۸) (در فارسنامه ناصری ذکر رخداد سال ۱۲۸۱ ه.ق. چنین آمده است:

«در تمام قصبه دهدشت ساکن داری و نافخ ناری نبود و از اهتمام نواب معزی الیه تا ۱۲۸۵ ه.ق نزدیک پانصد خانوار در دهدشت ساکن بوده‌اند و بنای تجارت را گذاشتند و چندین کاروان متاع به اصفهان رسانیدند» (حسینی فسایبی، ۱۳۷۸: ۱۴۸۸).

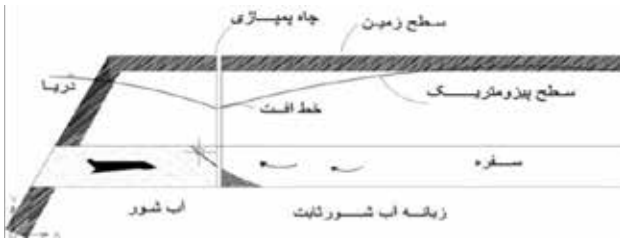
آخرین حضور جدی دهدشت در حیات سیاسی و اجتماعی ایران مربوط به عصر قاجار و دوره حکمرانی احتشام‌الدوله بر کوهگیلویه بوده است که از طرف ناصرالدین شاه قاجار بر این نواحی حکومت می‌کرد. در سال ۱۲۹۱ ه.ق که احتشام‌الدوله مجدداً به حکومت کوهگیلویه و بهبهان منصوب شد، در آبادانی قصبه دهدشت کوشید (پیشین: ۱۴۸۸-۱۴۸۹).

آنچه آمد گویای این حقیقت است که پس از غارت شهر دهدشت در سال ۱۲۰۰ ه.ق، حداقل یک‌بار دیگر توسط کوه‌نشینان غارت و متروکه شد. به این ترتیب و با احتساب آخرین باری که شهر دهدشت دستخوش حمله و ویرانی متعاقب آن شد، طی قریب چهارصد سال، دهدشت، شش بار مورد آسیب هجوم ویرانگر و در نتیجه اشغال و غارت همگانی قرار گرفت. این شهر امروزه به حالت نزار در گوشه‌ای از شهر جدید قرار دارد که در سال ۱۳۶۴ ه.ش به شماره ۱۶۶۸ در فهرست آثار ملی ایران به صورت کلی به ثبت رسیده است. بناهای شاخص فراوانی در این بافت تاریخی وجود دارند که هر کدام از آنها با شماره‌ای خاص در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است (تصویر شماره ۳ و ۴).

عوامل طبیعی مؤثر در شکل‌گیری و مانایی شهر دهدشت

جایابی بیش‌تر شهرهای کهن بر پایه معیارهای ویژه‌ای چون واقع شدن در مسیر شاه‌راه‌های تجاری و گذرهای اصلی، اعتبار بازرگانی داشتن، مرکزیت داشتن نسبت به پیرامون خود،

تأثیر این عامل را به صورت مجزا از دیگر عوامل مورد بررسی قرار خواهیم داد.



تصویر شماره ۵: ذخیره و نگهداری آب؛ ماخذ: نگارندگان

تأثیر سازوکار تأمین آب بر موجودیت و ماندگاری شهر تاریخی دهدشت

به نظر می‌رسد عنصر آب در شکل‌گیری و مکان‌یابی شهر تاریخی دهدشت، به عنوان قوی‌ترین عامل محیطی نزد طراحان و بانیان شهر مطرح بود. به همین دلیل نقش مؤلفه حیاتی آب در شکل‌گیری و ماندگاری شهر تاریخی دهدشت در سه بخش قابل بررسی است.

الف- منابع آب

منابع عمده تأمین آب مورد نیاز ساکنان بافت تاریخی دهدشت بر اساس مطالعات باستان‌شناختی، کتابخانه‌ای و پیمایشی در کنار متون تاریخی در دسترس به این شرح است.

۱) کاریز: قسمتی از آب آشامیدنی شهر تاریخی دهدشت از رشته کاریزهایی تأمین می‌شد و اکنون آثار قناتی در سمت شمال هنوز هم وجود دارد (گاویه، ۱۳۵۹: ۱۵۵).

۲) چشمه: در کنار رشته قنات‌ها، چشمه‌های در بخش شرقی شهر برای مصرف آشامیدن بود که هنوز هم هست (پیشین).

۳) برف: در سال‌های خشک و کم بارش از کوه‌های نزدیک برف حمل و برای مصرف ذخیره می‌شد (پیشین).

۴) آب‌انبار: آب‌انباری در شمال شرقی شهر احداث شده بود و آب حاصل از باران در آن جمع و در فصول کم آبی از آن استفاده می‌شد (بررسی‌های میدانی نگارندگان) (تصویر شماره ۶).

۵) چاه: در واحدهای مسکونی و دیگر کاربری‌ها حفظ و ذخیره آب با عناصری چون چاه و حوض تأمین می‌شد (بررسی‌های میدانی نگارندگان).

۶) جوی آب: یکی از منابع اصلی تأمین‌کننده آب شهر، چشمه‌ای بود که در شرق شهر قرار داشت. آب چشمه توسط کانال‌های زیرزمینی با توجه به جهت شیب اراضی شهر از شرق به غرب انتقال داده می‌شد.

این کانال‌ها از مرکز شهر می‌گذشت و تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر شهرسازی و معماری آن داشته است. آثار بر جای مانده از مسیر آب چشمه و هم‌چنین تراکم بناهای معماری و شهری در جهت مسیر آن حکایت از این دارد که شکل‌گیری واحدهای معماری و شهری از مسیر آب تبعیت می‌کرد؛ به طوری که در جهت غرب به شرق در قسمت

سیل‌گیر نبودن، سخت بودن زمین آن، زمین لرزه‌خیز نبودن و ویژگی‌های دیگر آن انجام می‌شده است (معماریان، ۱۳۸۹: ۷۰). کیفیت خوب دسر محیط که قرار بود برای شهر ایجاد شود، از عوامل گزینش مکان مناسب تأسیس شهر بوده است. در روایات اسلامی به اهمیت و نقش اصلی آب و هوا در انتخاب محل شهر تصریح شده است؛ تنها مکان دارای هوای پاکیزه و آب فراوان و زمین حاصل‌خیز، مناسب مکان شهر است (الحرانی، ۲۰۰۲: ۱۱۹). بی‌تردید عوامل محیطی یا طبیعی متعددی در شکل‌گیری و ماندگاری شهرسازی ارگانیک ایرانی مؤثر بوده‌اند، اما از مهم‌ترین و مؤثرترین آنها می‌توان دسترسی به آب، وضعیت جغرافیایی، موقعیت آب و هوایی و میزان حاصل‌خیزی خاک را عنوان کرد. بنابراین در مقاله حاضر این عوامل در روند شکل‌گیری و ماندگاری شهر تاریخی دهدشت در طول دوران‌های متعدد تاریخی بدون ذکر دوره تاریخی خاص مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

آب

به طور کلی یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری و توسعه شهرها و پراکندگی سکونت‌گاه‌ها از همدیگر میزان دسترسی به آب به شمار می‌رود. علاوه بر این که نحوه دسترسی به آب در ساختار شهری شهرهای ایران نقش ویژه‌ای داشته است، به ویژه با توجه به مسأله کمبود آب در فلات ایران، حفظ و ذخیره آن برای فصول کم آبی نیز به نوبه خود، عاملی با اهمیت بوده است (کریمپور، ۱۳۷۸: ۱۶۶). شهر تاریخی دهدشت نیز از این قاعده مستثنی نبود و برای پاسخ به نیازهای آبی خود از روش معمول دیگر شهرهای گرم و خشک فاقد آب جاری استفاده کرده بود که از جمله می‌توان به استفاده از کاریز، حفر چاه و احداث آب‌انبارهای متعدد اشاره کرد. نحوه استفاده از آب در واحدهای مسکونی بافت تاریخی دهدشت در پیوند با معماری غنی ایرانی در قالب چاه و منبع آب، حوض خانه و جوی آب تجلی پیدا کرده است (اسلامی، ۱۳۹۲: ۸۸). به طور معمول اکثر شهرهای اقلیم گرم فاقد آب جاری بودند و بنا به وضعیت اقلیمی و میزان آب‌های در دسترس یا منابع آب زیرزمینی دست به ابداع روش‌های نوین مهندسی آب می‌زدند که در نوع خود قابل توجه است. به عنوان نمونه در مناطق جنوبی در حد واسط خط افت آب شور دریا و سفره‌های آب شیرین چاه‌هایی حفر نموده و با جمع‌آوری آب شیرین در این چاه‌ها و پمپاژ آن از هدر رفتن آن جلوگیری می‌کردند (تصویر شماره ۵). این تکنیک یکی از معمول‌ترین راه‌کارهای حفظ و نگهداری آب در اقلیم‌های خشن و گرم ایران است که در بافت تاریخی دهدشت نیز برای ذخیره و جلوگیری از هدر رفتن آب از آن استفاده شده است. با توجه به اهمیت موضوع تأمین آب مورد نیاز ساکنان در طراحی و مدیریت شهر تاریخی دهدشت

منظم و مسطح شهر، مسیر اصلی از جهت حرکت آب تبعیت می کرد و در قسمت شمالی که توپوگرافی بسیار نامنظم بود، گذرها به تبعیت از مسیر یا جهت خاصی تمایل نداشتند. در چنین وضعیتی، شبکه ارتباط به سادگی از شیب عوارض زمین تبعیت می کرد و به هر جهتی که توپوگرافی اجازه می داد کشیده می شد. در بخش هایی از شهر که آب در سطحی پایین تر از کف معابر جاری بود برای دسترسی به آن و نیز برای ایجاد فضای خنک در تابستان کف حیاط به اندازه یک طبقه پایین تر از طبقه همکف قرار می گرفت.



تصویر شماره ۶: آب انبار شهر تاریخی دهدشت؛ ماخذ: نگارندگان

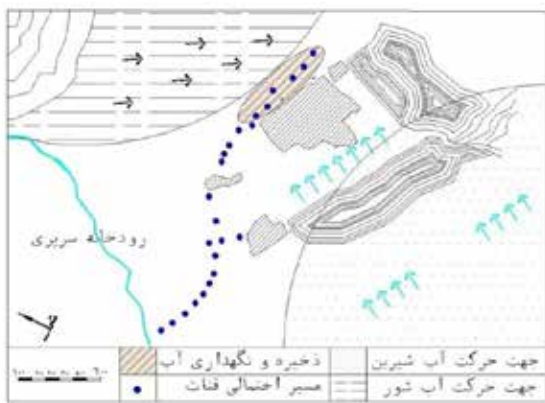
ب- تأثیر سازوکار آب در مکان یابی شهر

به درستی از وضعیت آزمون و خطای مکان یابی شهر تاریخی دهدشت اطلاع درستی در دست نیست و در عین حال مدارکی مبنی بر آگاهی بانیان از وضعیت زمین ریخت شناسی مکان احداث شهر وجود ندارد. ولی احتمالاً این وضعیت از دانش شناخت آب های پنهانی (کرجی، ۱۳۷۳)، برآمده از متون قرون میانه اسلامی برگرفته از آرای دانشمندان نامی کرجی بود و معماران و بانیان شهر دهدشت از این دانش آگاهی کامل داشتند.

قسمت عمده آب شهر تاریخی دهدشت از منابع زیرزمینی تأمین می شد و با توجه به این که کیفیت آب های زیرزمینی با لایه های زمین رابطه مستقیمی دارد، می بایست شهر در مکانی شکل می گرفت که علاوه بر وفور منابع آب مناسب، سهولت دسترسی بدان نیز در دراز مدت تضمین شده باشد. منابع آبی که شهر تاریخی دهدشت را تحت تأثیر قرار می دهد از دو جهت به طرف شهر در جریان هستند. دسته اول منابع آب شمالی که از منطقه دشت ماز به طرف شهر در جریان است و بر کیفیت آب بخش های شمالی و شرقی شهر تأثیر می گذارد. این بستر آبی در مسیر خود با برخورد به لایه های گچ دارای ترکیبات منیزیم، سولفات و کلسیم، سخت و غیرقابل شرب می شود. دسته دوم مسیر حرکتی منابع آب زیرزمینی به طرف جنوب و جنوب غربی شهر است. در این مسیر از شهر تاریخی، جنس زمین را سنگ های آهکی و ماسه سنگ تشکیل می دهد (تصویر شماره ۷). این سازندهای زمین شناسی موجب ایجاد آب گوارا و قابل شرب به میزان قابل توجه بوده است. براساس مطالعات نکتونیککی انجام گرفته در محل استقرار لایه های باستان شناسی بافت تاریخی دهدشت در سال های اخیر، شهر تاریخی دهدشت در مناسب ترین مکان نسبت به محدوده پیرامونی در خصوص دست یابی به منابع آبی شکل گرفته است (بررسی های میدانی نگارندگان).

ج- جلوگیری از تداخل آب شیرین و شور

همان گونه که اشاره شد دو جریان منابع آب تلخ (شور) و شیرین به طرف شهر در جریان است و بنا به بالا بودن حد آب شیرینی که از ناحیه جنوب و جنوب غرب به طرف شرق و شمال شهر (آب تلخ) در جریان است، آب شیرین وارد آب تلخ و برای شرب غیر قابل استفاده می شود. برای جلوگیری از هدر رفتن آب شیرین، در حدفاصل (مرز) آن با آب تلخ قناتی در شمال شهر احداث کرده بودند تا این قنات علاوه بر انتقال آب کاریز دشت های شمال غرب، از تداخل آب شیرین و تلخ جلوگیری کند و بدین ترتیب آب مناسب و گوارای شهر حفظ و نگهداری می شد (تصاویر شماره ۷ و ۸). امروزه عدم توجه به مکانیزم دقیق انتقال آب بوسیله سیستم قنات از جنوب غرب به سمت شهر تاریخی دهدشت؛ آب شرب ساکنین را از چشمه بلقیس چرام واقع در ۳۰ کیلومتری شهر دهدشت تأمین می نمایند و تمامی مسیر قنات های تاریخی انتقال دهنده ی آب را از میزان آبدهی این قنات ها در گذشته اطلاعی نداشته باشیم. منابع تاریخی نیز در این زمینه سکوت نموده اند.



تصویر شماره ۷: جهت مسیر آب و نحوه ذخیره آن؛ ماخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۸: طرح شماتیک از نحوه ذخیره و نگهداری آب؛ ماخذ: نگارندگان

تأثیر عامل جغرافیا و اقلیم بر روند شکل گیری و ماندگاری شهر تاریخی دهدشت

نخستین ملاک اساسی برای انتخاب محل شهر، آب و هوا است. گذشتگان شیوه های خاصی در مورد کیفیت و کمیت آب مناطقی که می خواستند به عنوان شهر انتخاب کنند، تدوین کرده بودند. از این رو، نشانه های آب و هوای مناسب برای انتخاب شهر در منابع متعددی منعکس شده است (عثمان، ۱۳۷۶: ۹۸-۹۹).

که ساکنان و طراحان شهر تاریخی دهدشت با اتخاذ تدابیر زیر بر مشکلات آب و هوایی منطقه خود فائق آمدند:

- **شناخت نوع اقلیم:** همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد اقلیم حاکم بر شهر تاریخی دهدشت گرم و خشک است. نواحی حاشیۀ کویری و کوهپایه‌ای (نسبت به نواحی مرکزی و شرقی کشور) دارای آب و هوای معتدل‌تر با بارندگی بیش‌تر بوده ولی به هر تقدیر اقلیم این نواحی نیز گرم و خشک به شمار می‌رود (قبادیان، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

- **استفاده از مصالح بوم‌آورد:** مصالح مورد استفاده در این منطقه عمدتاً سنگ، گچ، گل، خشت و آجر است. این نوع مصالح در منطقه به وفور یافت می‌شوند، تهیه آنها ارزان است و سابقهٔ دیرینه کاربرد در این نواحی دارد. از این رو، عمدهٔ مصالحی که در این شهر استفاده شده سنگ و گچ بود (تصویر شماره ۹). دلیل استفاده از سنگ و گچ در بناهای این شهرفروانی آن (بوم‌آورد) بوده است. کوهها و تپه‌های اطراف شهر تأمین‌کننده مصالح مصرفی آن بود.



تصویر شماره ۹: استفاده از سنگ و گچ در بناهای بافت تاریخی دهدشت؛ ماخذ: نگارندگان

- **استفاده از پلان مناسب با اقلیم:** پلان ساختمان‌ها تا حد امکان متراکم و فشرده است و تلاش بر این بوده تا سطح خارجی ساختمان نسبت به حجم آن کم‌تر باشد. این تراکم و فشردگی پلان خانه‌ها، میزان تبادل حرارت از طریق جداره‌های خارجی ساختمان را در تابستان و زمستان به حداقل می‌رساند و در نتیجه تا حدود زیادی از نفوذ حرارت به داخل ساختمان در تابستان و اتلاف آن در زمستان جلوگیری می‌کند. هم‌چنین به دلیل تراکم و فشردگی مجموعه، تودهٔ کل مصالح ساختمانی افزایش یافته و زمان تأخیر به حد مطلوب رسیده است (کسمایی، ۱۳۸۷: ۸۸).

- **نوع بام مناسب:** به دلیل کمبود چوب در این اقلیم، از طاق و گنبد استفاده شده است. گنبد‌های گلی و آجری با کارکرد جلوگیری از تبادل دما، با ویژگی‌های به حداقل رساندن تبادل حرارتی، پاسخ طبیعی شهرسازی سنتی ایرانی به شرایط اقلیمی سخت است (khairabadi, 1991: 75).

از جمله خصوصیات اقلیمی طاق‌های قوسی و گنبدی در مناطق گرم و خشک این است که ارتفاع اتاق از کف تا زیر طاق

بعد از مؤلفه مهم آب باید بدانیم تأثیر اقلیم و آب و هوا بر روند شکل‌گیری و پایداری شهر تاریخی دهدشت در طول دوران حیات به چه میزان و چگونه بوده است؟ استفاده مطلوب از مواهب طبیعی موجود با ایجاد امکانات مصنوعی با هدف تأمین آسایش ساکنان اقلیم گرم و خشک موجب پیدایش مکتبی در معماری ایران شد که به آن معماری اقلیم گرم و خشک گفته‌اند (توسلی، ۱۳۸۴: ۴۰).

شکل‌گیری بیش‌تر سکونت‌گاه‌ها و شهرهای تاریخی ایران در منطقهٔ کوهپایه‌ای بین منطقهٔ خشک کویر مرکزی و رشته کوه‌های البرز و زاگرس (در حاشیۀ بیابانی دره‌های بزرگ آبرفتی)، خصوصیات اقلیمی مشترکی (چون بارش محدود، ارزش مند بودن منابع آب و ضرورت استفاده از ذخایر زیرزمینی) را به سکونت‌گاه‌های این منطقه بخشیده است؛ به‌طوری که «قنات» تقریباً در تمامی این سکونت‌گاه‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است (ولی‌بیگ، ضیایی و نظریه، ۱۳۹۶: ۳۰). اهمیت قنات‌ها، به عنوان تنها منبع آب تا آنجاست که توزیع سکونت‌گاه‌ها، ارتباط تنگاتنگی با الگوی توزیع سیستم قنات‌ها نشان می‌دهد (کریمپور، ۱۳۸۷: ۱۶۶). وضعیت جغرافیایی و طبیعی، علاوه بر این که مکان‌یابی و شکل‌گیری شهرها و سکونت‌گاه‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده است، بر ساختار داخلی شهرهای ایران نیز تأثیری بسیار بسزا داشته و بر این اساس ساختار شهری شهرهای ایرانی برای غلبه بر شرایط آب و هوایی ویژه از خصوصیات خاصی برخوردار شده است (اسلامی، ۱۳۹۲: ۱۰۵). به این ترتیب می‌توان گفت که در این منطقه برای مقابله با اقلیم گرم و خشک و برای به حداقل رساندن تماس مستقیم نور آفتاب، حداکثر استفاده از سایه، نسیم و آب، در امان ماندن از تأثیرات بادهای حاوی گرد و غبار که از سمت جنوب غرب از ناحیه خوزستان می‌وزند، تمهیداتی به کار برده شده بود که مجموعهٔ این اقدامات ساختار شهر سنتی دهدشت را در اقلیم خاص آن تعریف می‌کند (محببت‌خواه، ۱۳۹۲: ۵۹).

شهر فشرده با خیابان‌ها و کوچه‌های متراکم پیچ در پیچ، خانه‌های حیاط مرکزی، دیوارهای به نسبت بلند و کوچه‌های کم‌عرض، در همراهی با عناصری چون بادگیر، آب‌انبار و ... ویژگی‌های شهرهای اقلیم گرم و خشک است. شهر سنتی فشرده، با به حداقل رساندن سطح ساختمان (که با نور آفتاب در تماس است) گرمای جذب شده را کاهش می‌دهد، علاوه بر این در چنین شهری با تراکم بالای مناطق مسکونی، بیش‌تر فضاهای خارجی پیاده، مصون از نور مستقیم خورشید هستند (اسلامی، ۱۳۹۲: ۴۵).

مهم‌ترین کارکرد شهر متراکم در اقلیم گرم و خشک کاهش تبخیر و نورگیری، به حداقل رساندن تبادل گرمایی، فراهم آوردن سایه و هوای خنک، تسهیل حرکت انسان در شهر، شکستن باد سوزان روز و باد سرد شب و کاهش اثرات منفی شدت گرد و خاک مداوم، پیش‌بینی می‌شود. بر این اساس فوق می‌توان گفت

زیاد است و لذا می توان یک تهویه طبیعی عمودی در اتاق ایجاد کرد. با توجه به خاصیت سبک بودن هوای گرم و سیر صعودی آن و جایگزینی هوای خنک، با تعبیه چند دریچه در اطراف و سقف اتاق، هوای گرم از دریچه ها خارج و یک جریان طبیعی هوا از پایین به بالا برقرار می شود، که برای تأمین آسایش در فصل گرم مناسب است (قبادیان، ۱۳۸۷: ۱۴۱).

- **جهت قرارگیری:** جهت بناها معمولاً رو به قبله است و با در نظر گرفتن بادهای مختلف محلی به عنوان کم عارضه ترین جهت تشخیص داده شد. بازشوها نیز در این جهت و جهت شمالی تعبیه می شدند تا در مقابل باد مطلوب شمال و شمال غرب آغوش باز داشته باشند (اسلامی، ۱۳۹۲: ۴).

- **فرم مناسب بناهای شهر:** کلیات فرم بنا در مناطق گرم و خشک به صورت زیر است:

الف: کلیه بناها به صورت درون گرا و محصور ساخته می شدند.
ب: کلیه بناها دارای حیاط مرکزی بودند. ج: کف بناها و حیاط پایین تر از سطح معابر قرار داشت. د: ارتفاع اتاق ها نسبتاً بلند بود.
ه: طاق ها غالباً قوسی و گنبدی بود. و: دیوارها نسبتاً قطور احداث شدند (قبادیان، ۱۳۸۷: ۱۲۸).

- **بافت مناسب مجموعه:** بافت شهر سنتی دهدشت به صورت متراکم ساخته شده بود. فضاهای شهری کاملاً محصور و کوچه ها و گذرها به صورت تنگ و نامنظم و گاهی به صورت سرپوشیده بودند (محبت خواه، ۱۳۹۲: ۸۸).

تأثیر مؤلفه های زمین شناسی بر شکل گیری شهر تاریخی دهدشت

تأثیر سازندهای زمین شناسی در شکل گیری ساختار معماری شهر زمانی روشن می شود که بدانیم بانیان و طراحان چگونه از این مواهب خدادادی در بهبود کیفیت بناها استفاده می کردند. به درستی نمی دانیم بانیان چگونه از دانش شناخت لایه های زمین آگاه بودند، لیکن شناخت و انتقال نیروهای استاتیکی بناهای انبوه بر پیکره زمینی سخت و قابل اعتماد به لحاظ مقاومت در برابر نیروهای فشاری و کششی قاعدتاً نیاز به دانشی دارد که در کنار تجربه این بنیان گذاری را توجیه نماید. بر این باوریم که طراحان معماری شهر تاریخی دهدشت از چنین دانشی برخوردار بودند؛ هر چند مدرک قانع کننده ای در دست نداریم تا به صورت مکتوب از آن یاد کنیم، ولی مصادیق بارز وجود این دانش در معماری تک تک بناهای شهر تاریخی یاد شده گواه این مطلب است. همان گونه که قبلاً نیز بیان شد در دشت های شمالی و شمال غربی بافت تاریخی دهدشت، لایه های زیرین زمین دارای رگه های ضحیمی از گچ است. حفره های موجود در لایه های گچ که ممکن است بر اثر فشار آب به وجود آمده باشند بعد از مدتی فرسوده می شود و نشست می کند که متعاقباً لایه بستر

(پوسته) نیز دارای چنین حالتی می شود، اما بستر شهر از سنگ آهک دولومیتی و ماسه سنگ تشکیل شده است. از این رو، چنین بستری از نظر تراکم و مقاومت بهتر از گچ عمل می کند و مکان مناسبی برای شکل گیری شهر سنتی دهدشت بود.

معماری سنتی اقلیم گرم و خشک از نظام ساختاری دیوار باربر و سقف های گنبدی برخوردار است و انتقال نیرو با مصالح فشاری و با استفاده از خاصیت هندسی فرمها (قوس) انجام می پذیرد. نیروهای جانبی بعد از وارد شدن به پوسته در سطح بنا گسترده می شد و بناهایی که به صورت متراکم و پشت به پشت هم ساخته شده بودند، همدیگر را پوشش می دادند و با انتقال نیرو به سابات ها و بازار که حد فاصل محله ها قرار داشتند، نیروی فشاری کنترل و به زمین انتقال داده می شد (تصویر شماره ۱۰ و ۱۱).



تصویر شماره ۱۰: نقش سابات و بازار در کنترل نیرو؛
ماخذ: اسلامی، ۱۳۹۲: ۵۷



تصویر شماره ۱۱: کنترل نیروهای جانبی وارد شده بر بناها توسط سابات و بازار؛ ماخذ: نگارندگان

سابات ها در ساختمان های محیطی و اجزای فضایی بلوک های طرفین پایداری ایجاد می کنند و بین دو خانه در معبر به عنوان پشت بند عمل می کنند و مقاومت بنا را در برابر هرگونه نیروی افقی حاصل از زلزله، باد و... افزایش می دهند (ولی بیگی، ۱۳۹۲: ۳). بنابراین در چنین شرایطی شهر می بایست در مکانی شکل می گرفت که بستر آن توانایی پاسخ گویی به نیروهای وارده (فشاری) را داشته باشد.

تهویه هوا و در نتیجه عدم تناسب بین طراحی شهری و اکولوژی برای ساخت شهر جدید گردیده است (یزدگرد، ۱۳۹۰: ۸۷، جدول ۱). در شکل‌گیری بافت تاریخی دهدشت باد از عوامل دسته دوم به شما می‌رود و ارتباط مستقیمی با بارش و هم‌چنین گرما و در عین حال گرد و خاک دارد. یکی از عوامل مؤثر در بارندگی منطقه دهدشت و علی‌الخصوص منطقه بافت تاریخی، بادهای غربی است که از دریای مدیترانه و آب‌های اطراف آن و گاهی از اقیانوس اطلس می‌وزند و از طرف شمال غربی و از طریق لرستان به این منطقه نفوذ می‌کنند و در فصل زمستان موجب بارش به میزان مناسب می‌شوند. در اصطلاح محلی آنها را در زمستان باد راست و در تابستان باد خرمن می‌گویند (مطالعات قوم‌نگاری توسط نگارندگان). بادهای دیگری به نام باد جنوب یا باد چپ از سمت جنوب و جنوب غربی در اواخر بهار و تابستان به این سرزمین نفوذ می‌کنند. این بادها به علت گرمی و خشکی بیش از اندازه، اغلب به مزارع و محصولات زراعی آسیب‌های زیادی وارد می‌کند (افشار سیستانی، ۱۳۶۸: ۵۲۱).

باید اشاره نماییم توجه به جهت و سرعت باد در نواحی مستعد، که این عنصر اقلیمی نسبت به بقیه عناصر آسایش مثبت و منفی عمیق‌تری دارند، باید با اهمیت‌تر تلقی شود (سلیقه، ۱۳۸۲: ۱۱۰). زیرا شدت و جهش باد در شکل‌گیری شهرها به خصوص در نواحی گرم و خشک نقش مهمی داشته است (قبادیان، ۱۳۹۰: ۸). این عامل در شهر دهدشت نیز مورد توجه طراحان و بنیان‌پایان بوده است (تصویر شماره ۱۴)، به گونه‌ای که شهر در مقابل بادهای نامطلوبی که از سمت خوزستان و در بخش جنوب و جنوب غربی ورود پیدا می‌کنند، توسط تپه ماهورها و صخره سنگی نسبتاً بلندی محافظت می‌شد. معمولاً بادهای وارد شده از طرف خوزستان با خود گرد و غبار به همراه دارند، و موانع طبیعی ذکر شده از سرعت باد می‌کاهد و غبار همراه با باد نیز در اثر کاهش سرعت باد فروکش می‌کند. عامل باد در جهت‌گیری معابر شهر بسیار مؤثر بوده که در چهار موضوع مجزا قابل طرح است.

الف) گذرهای اصلی در شهر تاریخی دهدشت دارای عرض ورودی کمتر و امتدادی افزایش‌یابنده هستند تا سرعت باد کاهش یابد و غبار همراه با باد نیز در اثر کاهش سرعت باد فروکش کند.

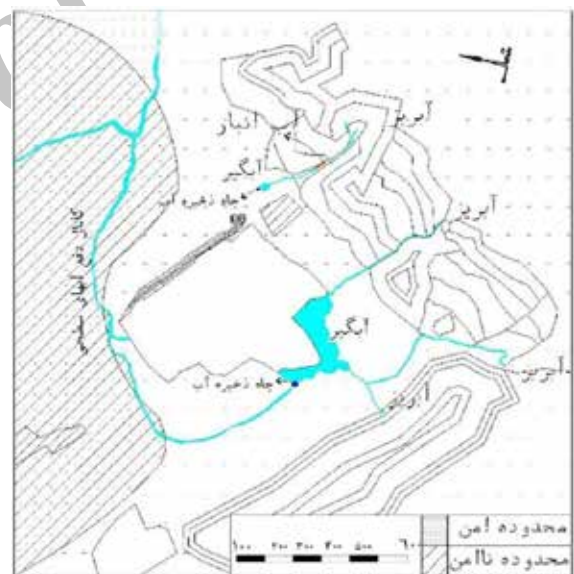
ب) برای جذب باد مطلوب به درون شهر به این صورت بوده است که گذرها به صورت موازی با باد شکل گرفته‌اند.

ج) برای دفع و پناه گرفتن در مقابل باد نامطلوب نیز چنین بوده است که گذرها به صورت عمود بر باد شکل گرفته‌اند.

د) به‌طور کلی ساختمان‌های بلند در پیرامون میدان‌ها همانند بادگیر (و نه خود بادگیر)، باد را به میدان هدایت می‌کردند و گذرهای اصلی، هادی باد به سوی میدان‌های شهر بودند. این میدان‌ها باد را در گذرهای پر پیچ و خم شهر توزیع می‌کنند (عباس‌زاده و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۵).

تأثیر سیل بر شکل‌گیری و مکان‌یابی شهر تاریخی دهدشت

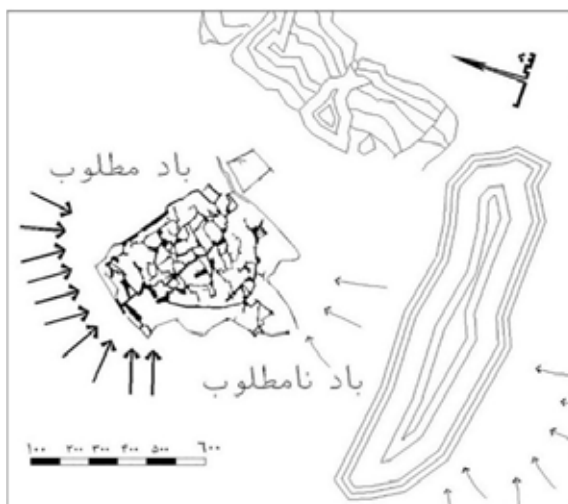
از مهم‌ترین مؤلفه‌های مکان‌یابی شهر، چه در دوران گذشته و چه در عصر حاضر، سیل‌گیر نبودن آن است. چرا که با اندک بارندگی معمول سالیانه، حجم عظیمی از روان‌آب‌های سطحی به جریان می‌افتد و علاوه بر تخریب تأسیسات عمده شهری و خدماتی، زندگی ساکنان را دچار خلل می‌کند. بنابراین دقت در این امر مهم می‌تواند تا حدودی در رفاه اجتماعی و امنیت روانی ساکنان دخیل باشد. در مکان‌یابی و شکل‌گیری شهر تاریخی دهدشت در این بستر مناسب، ارتفاعات و آبریزگاه‌های یال شرقی تاقدیس دهدشت به شدت مورد توجه قرار گرفته بود (حیدرزاده، ۱۳۹۴: ۴۶-۴۲). دامنه این ارتفاعات با شیب ملایمی به طرف شهر کشیده شده‌اند. در مواقع بارندگی آب به طرف شهر سرازیر می‌شد و دشت‌های اطراف شهر را آب فرا می‌گرفت. در نتیجه نیاز مبرم بود که شهر در بستری بالاتر از دشت‌های اطراف شکل بگیرد تا در مقابل سیل مصون باشد (تصویر شماره ۱۲). ساختار گذرها و معابر به گونه‌ای است که از شیب زمین تبعیت می‌کنند و در هنگام بارندگی، آب‌های سطحی در جهت شیب به بیرون از شهر هدایت می‌گردیدند (محببت‌خواه، ۱۳۹۲: ۵۷).



تصویر شماره ۱۲: شکل‌گیری شهر در منطقه امن و خارج از مسیر سیل؛ ماخذ: نگارندگان

تأثیر باد بر شکل‌گیری و مکان‌یابی شهر تاریخی دهدشت

بی‌شک عامل مهم باد در تعیین روند شکل‌گیری و پایداری هر سکونت‌گاه چنان مهم و مؤثر است که در برخی از مناطق ایران به عنوان عامل اصلی مکان‌یابی در نظر گرفته شده است. تأثیر این عامل مهم در جایابی روستای هزاره ششم زاغه چنان است که هر گونه تخطی از قانون ضد باد منجر به آتش‌سوزی و در نهایت ویرانی روستا می‌گردید (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۷۸: ۳۲۷-۳۲۴). در شهر تهران نیز عدم توجه به این مؤلفه موجب عدم



تصویر شماره ۱۳: جهت گیری معابر شهر تاریخی دهدشت براساس بادهای مطلوب و نامطلوب؛ مأخذ: نگارندگان

تأثیر حاصل خیزی خاک بر شکل گیری و ماندگاری شهر تاریخی دهدشت

بی تردید یکی از عوامل مؤثر در شکل گیری و توسعه شهرها از دیرباز، حاصل خیزی خاک و قابلیت کشاورزی بوده است. این عامل به ویژه در اقتصاد خودبسنده و بسته سکونت گاه‌های پیشین اهمیت تعیین کننده‌ای داشته است. اما همان گونه که پیش از این نیز اشاره شد، سرزمین ایران به استثنای حاشیه کم وسعت کناره دریای خزر، دارای اقلیم خشن است و مسأله کمبود آب یکی از شایع ترین مشکلات این سرزمین است. از سوی دیگر بخش قابل توجهی از مساحت ایران زیر پوشش مناطق کوهستانی و کویری است که غیر قابل کشاورزی است. از این رو سکونت گاه‌ها و مناطق شهری در کشور ما در طول تاریخ شهری و قبل از رشد بی منطق شهرنشینی و افزایش جمعیت، الگوی پراکنده‌ای را نشان می‌دهد. تجانس بین الگوی پراکنده‌گی مراکز شهری و حاصل خیزی خاک نیز همبستگی شدیدی بین این دو عامل را نشان می‌دهد (کریمپور، ۱۳۷۸: ۱۶۷). از این روست که شهر ایرانی در طول تاریخ پیوسته خود، همواره در پیوند متقابل با روستاهای پیرامون خود تشکیل منطقه شهری یا کوره را می‌داده است و همیشه سه عامل جهانی، اقتصاد و مسائل محیط‌زیستی در کنار مسأله غارت-دفاع در صدر اولویت‌های بنیان‌گذاری شهر ایرانی یا بعدها ایرانی-اسلامی به شمار می‌رفت (حبیبی، ۱۳۹۲: ۶).

شهر سنتی دهدشت تا قبل از تولد مفهوم حصار پیرامون شهر، اصولاً شهری پهن دشت بود و پیوستگی آن با مزارع و زمین‌های کشاورزی پیرامون تا به آن درجه بود که می‌توان گفت شهر در دل طبیعت و مزارع و باغ‌های پیرامون مستحیل شده بود و مرز قاطعی برای محدوده شهر قابل تشخیص نبود. حتی بعد از تمایز شهر با عامل دفاعی و محدود کننده حصار شهر نیز ارتباط بین شهر و روستا همچنان گسترده بود و نوعی اقتصاد کشاورزی خودبسنده

مهم‌ترین عامل تأمین کننده معیشت ساکنان این منطقه شهری به‌شمار می‌رفت. به این ترتیب بنا به ماهیت اقتصاد کشاورزی، شهر تاریخی دهدشت بر خلاف امروز هرگز در تقابل با روستا قرار نمی‌گرفت و از این رو، شهر و روستاهای اطراف به عنوان دو عنصر مکمل یکدیگر، سیستم پیچیده اقتصادی - اجتماعی و کالبدی منطقه شهری را تعریف می‌کردند.

عامل حاصل خیزی خاک علاوه بر شکل گیری و پراکنده‌گی سکونت گاه‌ها در مکان‌یابی، تعیین شکل و ساختار شهر سنتی دهدشت و چگونگی توسعه آن نیز نقش مهمی را بر عهده داشته است. بدیهی است بازدهی اندک زمین‌های پرارزش پیرامون شهر قدیم، به شهر متکی بر اقتصاد کشاورزی اجازه توسعه را نمی‌داد و در کنار سایر عواملی که گفته شد بر الگوی شهر فشرده و متراکم با جمعیت محدود تأکید می‌ورزد (اسلامی، ۱۳۹۲: ۱۲۱).

علاوه بر این، تبعیت الگوی شبکه ارتباطی شهر از شبکه آبیاری (قنات و نهر) و کنترهای زمین، نمونه‌های دیگری از تأثیر عامل قابلیت زراعی خاک بر ساختار شهری و ماندگاری شهر است (Frieden and Man, 1971: 14)، که در شهر دهدشت به طور دقیقی رعایت شده‌اند. به طور کلی شهر دهدشت با وجود دشت‌های مناسب و حاصل خیز اجازه تمرکز جمعیت بیش تر از حجم فضاهای مسکونی موجود را در خود نداشته است و این امر دلیل کم محصول شدن خاک‌های این منطقه به دلیل عدم زهکشی در سال‌های پایانی حیات تاریخی این شهر نیز بوده است. جدول شماره وضعیت خاک دهدشت و دشت‌های اطراف آن را نشان می‌دهد. چنین خاکی پس از یک دوره کشاورزی ۴۰ تا ۵۰ ساله نیاز به زهکشی دارد که اگر زهکشی صورت نگیرد از قدرت باروری آن کاسته خواهد شد و همین امر موجب گردید تا بیش از توان زراعی و کشاورزی خود نتواند جمعیت بیش تری را در خود نگه دارد.

جدول شماره ۱: وضعیت حاصل خیزی خاک شهر دهدشت و ارتباط با محصولات کشاورزی

نوع محصول	نوع خاک	نوع بافت	نوع اراضی
نباتات یک ساله شالیکاری و کاشت درختان مثمر و غیر مثمر	آبرفتی قدیمی تکامل یافته با طبقه combic و در پاره ای از قسمت‌ها طبقه calsic	متوسط تا سنگین	دشت‌های آبرفتی مسطح

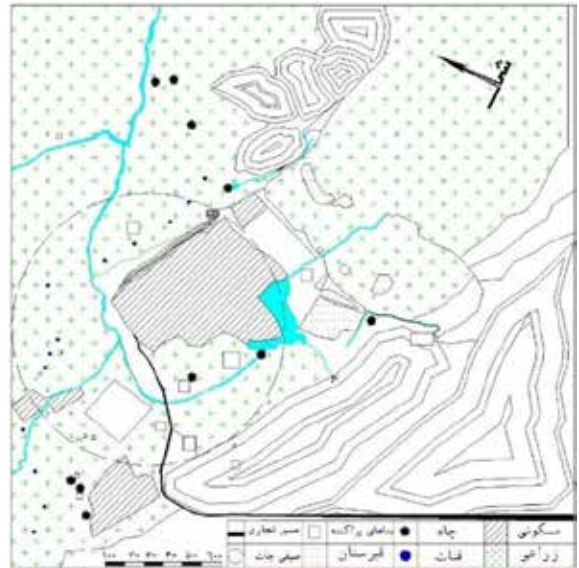
مأخذ: طرح جامع و عمران شهر دهدشت

منابع آبی روان و جهت حرکت آنها با تبعیت از شیب زمین، الگوی کلی از زمین‌های زراعی اطراف شهر دهدشت است، به نحوی که زمین‌های جنوب غربی، غرب و مقداری از اراضی شمالی شهر که در محدوده بارو قرار گرفته‌اند با آب چشمه آبیاری می‌شدند. این بخش از اراضی کشاورزی مختص کاشت صیفی و شالی کاری بود. محدوده شمال شرقی، جنوب شرقی و اراضی شمالی نیز به علت کمبود آب به نباتات دیم (گندم و جو) اختصاص داده شده بود (تصویر شماره ۱۴).

و توسعه فیزیکی شهر بوده است. با گذشت زمان و نیاز مردم به آب بیش‌تر، استفاده از چاه‌های عمیق و نیمه عمیق در این منطقه رایج شد. به تبع برای هدایت آب و نگهداری آن عناصر معماری چون آب‌انبار، پایاب، حوض خانه و جوی شکل گرفت. مدیریت شهری بعد از مدتی به فکر انتقال آب از طریق قنات از زمین‌های سنگلاخی مناطق جنوب غربی شهر افتاد که این مهم را با موفقیت به انجام رساند که پاسخی بر کمبود آب از چاه‌های درون شهر بود. در کنار آب، عامل اقلیم و وضعیت جغرافیایی و وضعیت زمین‌شناختی مورد توجه بنیان بود؛ زیرا بستر شهر، مقاومت مناسبی در برابر نیروهای وارده (فشاری و جانبی) نسبت به اراضی اطراف دارد. بستر شهر سنتی، نسبت به اراضی اطراف مرتفع‌تر است که شهر را از خطر سیل حفظ می‌کند. شهر سنتی دهدشت در حد فاصل دو تپه نسبتاً مرتفع قرار گرفته است، که هدف از انتخاب چنین مکانی برای جلوگیری از ورود بادهای گرم و سوزان و طوفان‌های شنی است که از ناحیه خوزستان (غرب و جنوب غرب) وارد می‌شدند، شهروندان را از گرما و بادهای گزنده اقلیم گرم و خشک مصون می‌داشتند. علاوه بر این عوامل، عامل تهیه منابع اولیه خوراک به عنوان نیاز اولیه اجتماع خود بسنده که بتواند در هنگام محاصره و بلایای طبیعی مناطق هم‌جوار، جواب‌گوی نیاز ساکنان خود باشد، مورد توجه بود. بنابراین مکان‌یابی شهر با توجه به نحوه معیشت مردم، درون دشت شکل گرفت تا منابع کافی برای کشاورزان وجود داشته باشد. کشاورزی به عنوان مهم‌ترین عامل معیشت و اقتصاد شهر سنتی و روستاهای اطراف آن، این ضرورت را می‌رساند که فاصله شهر و روستا بر مبنای جمعیت کشاورزان و منابع آب شکل بگیرد، به همین دلیل نزدیک‌ترین روستا به دهدشت بالغ بر ۵ کیلومتر فاصله دارد. بازدهی اندک زمین‌های پر ارزش کشاورزی اجازه گسترش بیش‌تر شهر به طرف زمین‌های کم‌بازده را نداد تا شهر به صورت فشرده، بسته و درون‌گرا شکل بگیرد. برهم‌کنش عوامل مهم یاد شده منجر به ساخت و دوام شهر به لحاظ نیازهای اولیه انسانی شد؛ لیکن به همان اندازه که به مؤلفه‌ی نیازهای طبیعی انسانی در شهر توجه شد، از نیازهای دفاعی شهر غافل ماندند و همین کاستی باعث شد شهر به‌رغم موقعیت مناسب طبیعی و پاسخ‌گویی طبیعی به این موقعیت از طریق طراحی معمارانه، نتواند به‌هنگام بروز خطر حمله مهاجمان انسانی دفاع مناسبی از خود داشته باشد.

فهرست منابع و مراجع

۱. آرشو سازمان مسکن و شهرسازی کهگیلویه، منتشر نشده.
۲. آرشو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کهگیلویه و بویراحمد، منتشر نشده.
۳. آرشو سازمان نقشه‌برداری کشور، منتشر نشده.
۴. افشارسیستانی، ایرج (۱۳۶۸)، **مقدمه‌ای بر شناخت ایلهها، چادرنشینان و طوایف عشایری ایران**، موسسه آموزشی و انتشاراتی نسل دانش، تهران.



تصویر شماره ۱۴: محدوده کشاورزی دیم و آبی شهر؛ مأخذ: نگارندگان



نمودار شماره ۱: نقش عوامل محیطی در سیر تاریخی شکل‌گیری و تحولات شهر سنتی دهدشت؛ مأخذ: نگارندگان

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

الگوی سکونت در هر منطقه را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن عوامل محیطی به‌طور کامل باز شناخت. ساختار شهر سنتی دهدشت در پاسخ به شرایط اقلیمی خشن و سخت به گونه‌ای تعریف شده است که قدرت مهار نیروهای طبیعی در جهت رفاه هر چه بیش‌تر شهروندان را به حداکثر برساند. تفاوت عمده این ساختار با نتیجه طراحی شهرسازان امروز آن است که شهرنشینی ایران همواره در جهت مهار و همراهی با نیروهای طبیعت گام برداشته است، نه در تقابل و تخاصم با طبیعت. موقعیت جغرافیایی و اقلیم خشن حاکم بر این شهر، مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها را که بر مبنای عوامل محیطی یا طبیعی پایه‌ریزی شده‌اند ارائه می‌دهد، که می‌توان آنها را به عنوان شاخصه‌های شکل‌گیری معماری اقلیم گرم و خشک معرفی کرد. تمامی این عوامل در نمودار شماره ۱ برای جمع‌بندی آمده است. دهدشت به عنوان یک شهر مهم واسطه‌ای براساس اصول و مبانی معماری کهن ایران اسلامی و توجه دقیق به اقلیم گرم و خشک بنیان‌گذاری شده است. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن به ترتیب اهمیت، ابتدا آب بود. وجود منابع آب زیرزمینی مناسب و مطمئن در دهدشت عامل پیدایش هسته اولیه شهر و عامل رشد

۵. افروخته‌ای نظری، محمود بن هدایت‌الله (۱۳۷۳)، **نقاوه الآثار فی ذکر الاختیار**، به اهتمام احسان اشراقی، چاپ دوم، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، تهران.
۶. الحرانی، ابومحمد حسن بن حسین (۲۰۰۲)، **تحف العقول عن آل الرسول**، انتشارات: موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
۷. ابن بلخی (۱۳۷۴)، **فارسنامه**، تصحیح و تحشیه: منصور رستگار فسایی، انتشارات بنیاد فارس‌شناسی، شیراز.
۸. اسلامی، مسعود (۱۳۹۲)، **مرکز پژوهش و ترویج هنر بومی اقوام جنوب ایران با رویکرد بهره‌گیری از معماری بومی کهگیلویه و بویراحمد**، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد معماری گرایش معماری، واحد علوم و تحقیقات خرم‌آباد. منتشر نشده.
۹. اصطخری، ابراهیم (۱۳۷۷)، **مسالك الممالک**، ترجمه: محمد بن عبدالله تستری، انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، چاپ دوم، تهران.
۱۰. اقتداری، احمد (۱۳۵۹)، **خوزستان، کهگیلویه و ممسنی**، انتشارات انجمن آثار و مفاخر ملی، (جلد سوم از مجموعه آثار خوزستان)، چاپ اول، تهران.
۱۱. توسلی، محمود (۱۳۸۴)، **ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران**، انتشارات سیمای دانش، تهران.
۱۲. سلیقه، محمد (۱۳۸۲)، «توجه به باد در ساخت کالبدی فیزیکی شهر زابل»، **مجله جغرافیا و توسعه**، شماره ۱۴، صص: ۱۱۲-۱۰۹.
۱۳. سیاهپور، کوشاد (۱۳۸۶)، «حکومت احتشام‌الدوله در کهگیلویه و بهبهان»، **فصلنامه تاریخ معاصر ایران**، سال ۱۱، شماره ۴۱، صص: ۱۱۳-۱۳۸.
۱۴. حبیبی، سید محسن (۱۳۹۲)، **از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن؛ تفکر و تأثر**، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سیزدهم، تهران.
۱۵. حسینی استرآبادی، حسین بن مرتضی (۱۳۶۶)، **تاریخ سلطانی از شیخ صفی تا شاه صفی**، به کوشش احسان اشراقی، انتشارات علمی، چاپ دوم، تهران.
۱۶. حسینی فسایی، میزراحسن (۱۳۷۸)، **فارسنامه ناصری**، تصحیح: منصور رستگار فسایی، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، تهران.
۱۷. حیدرزاده، کبری (۱۳۹۴)، «برهم‌کنش الگوی سیستم‌زهکشی و بالآمدگی در یال جنوبی ناقدیس دهدشت»، **فصلنامه زمین‌شناسی تپیس**، دانشکده علوم زمین دانشگاه شهیدبهشتی، شماره ۱۷، صص: ۴۷-۴۱.
۱۸. جزایری شوشری، عبدالله بن سید نورالدین (۱۳۸۷)، **تذکره شوشری**، مقدمه تصحیح و تعلیقات مهدی کدخدای طراحی، نشر تروا، چاپ اول، اهواز.
۱۹. رایگانسی، ابراهیم و عابد تقوی (۱۳۹۳)، «تحلیل عدم بکارگیری مؤلفه‌های دفاع غیرعامل در فروپاشی شهر دهدشت در دوران صفوی و قاجار»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره پانزدهم، صص: ۷۹-۸۶.
۲۰. زمرشیدی، حسین (۱۳۹۰)، **مصالح‌شناسی سنتی**، انتشارات زمر، تهران.
۲۱. دموریتی ژ (۱۳۷۵)، **عشایر فارس**، ترجمه: جلال‌الدین رفیع فر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
۲۲. قبادیان، وحید (۱۳۸۷)، **بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران**، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲۳. عثمان، محمد عبدالستار (۱۳۷۶)، **مدینه‌ی اسلامی**، ترجمه: علی چراغی، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران.
۲۴. عباس‌زاده، شهاب؛ قاسم ذوالفقاری و محمدعلی پژوهان کیا (۱۳۹۳)، «بررسی نقش باد در آرایش ساختار فضایی-کالبدی شهرهای مناطق گرم و خشک-گرم و مرطوب»، **نشریه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک**، شماره ۱۵، دوره ۴، صص: ۷۰-۵۳.
۲۵. کرجی، ابوبکر محمد بن الحسن الحاسب (۱۳۷۳)، **استخراج آبهای پنهانی**، ترجمه: حسین خدیوچم، نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
۲۶. طرح‌جامع عمران شهر دهدشت، مهندسین مشاور پارسوا، به سفارش شهرداری دهدشت، مجموعه ۴ جلدی، منتشر نشده، کتابخانه شهرداری دهدشت.
۲۷. کارری، فرانچسکو جیوانی جملی (۱۳۸۳)، **سفرنامه کارری**، مترجمان: عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، تهران.
۲۸. کسمایی، مرتضی (۱۳۸۷)، **اقلیم و معماری: معماری-عوامل اقلیمی**، معماری ایران (عوامل اقلیمی، ساختمان‌ها)، نشر خاک، تهران.
۲۹. کریمپور، مرجانه (۱۳۷۸)، **رهیافت سیستمی به باز زنده‌سازی بافت‌های تاریخی: نمونه موردی بافت تاریخی شهر شیراز**، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد شهرسازی گرایش: برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شیراز، منتشر نشده.
۳۰. گایسه، هاینس (۱۳۵۹)، **ارجان و کهگیلویه (از فتح عرب تا پایان دوره صفویه)**، ترجمه: سعید فرهودی، تحشیه و تنظیم فهارس: احمد اقتداری، انتشارات انجمن آثار و مفاخر ملی. چاپ اول، تهران.
۳۱. محبت‌خواه، داود (۱۳۹۲)، **باز زنده‌سازی مرکز محله شهر سنتی دهدشت**، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد معماری. گرایش: معماری، دانشگاه آزاد، واحد علوم تحقیقات یاسوج، منتشر نشده.
۳۲. مجیدی، نورمحمد (۱۳۷۱)، **تاریخ و جغرافیای کهگیلویه و بویراحمد (زیر نظر ایرج افشار)**، انتشارات علمی، چاپ اول، تهران.
۳۳. مستوفی، حمدالله (۱۳۶۴)، **تاریخ گزیده**، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، تهران.
۳۴. ملک‌شهمیرزادی، صادق (۱۳۷۸)، **ایران در پیش از تاریخ: باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده‌دم شهرنشینی**، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول، تهران.
۳۵. معاریان، غلامحسین (۱۳۸۹)، **معماری ایرانی**، انتشارات سروش دانش. تهران.
۳۶. مقدسی ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱)، **احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم (ج ۲)**، ترجمه: دکتر علینقی منزوی، شرکت مولفان و مترجمان ایران، چاپ اول، تهران.
۳۷. ولی‌بیگی، نیما (۱۳۹۲)، «گونه‌شناسی فرمی ساباتهای ایرانی بر پایه هندسه»، **همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار**، صص: ۸-۱.
۳۸. ولی‌بیگ، نیما؛ ضیایی، فرنوش و نظریه، نوشین (۱۳۹۶)، «مطالعه مقایسه‌ای شیوه‌های پرکاربرد انتقال آب در بناهای سنتی مطالعه موردی: شهر اصفهان»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، سال هفتم، شماره ۲۷، بهار، صص: ۳۰-۲۹.
۳۹. یزدگرد، فاطمه (۱۳۹۰)، «بازآفرینی پایداری با تأکید بر نقش طبیعت در ساختار کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی (بررسی موردی رود دره مقصودبیک تهران)»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره پنجم، پاییز؛ صص: ۹۴-۷۹.
40. Friden, Ray and Bruced, Man (1971), Strategy for sound adaption and development: A case study of Kermanbazar. Ministry of interior. Tehran.
41. Khairabadi, masoud (1991), Iranian cities. University of taxes press Austin.
42. Olgay, Victor (1963), Design with climate. Princeton university press.